

بررسی بازار ارز و پیشنهادهای اصلاحی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تهران؛ پایتخت تجارت ایران

معاونت مطالعات اقتصادی و آینده‌پژوهی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بررسی بازار ارز و پیشنهادهای اصلاحی

دی ۱۴۰۴

از طریق پست الکترونیکی زیر می‌توانید پیشنهادهای و نظرات اصلاحی خود را به واحد مربوطه منعکس کنید:

Economic_research@tccim.ir

مواضع این گزارش، الزاماً مواضع اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران نیست.

استفاده از مطالب این گزارش با ذکر منبع بلامانع است.



چکیده مدیریتی

بازار ارز ایران پس از پشت سر گذاشتن شوک‌های ساختاری در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷، در آذرماه ۱۴۰۴ وارد مرحله جدیدی از تعدیل‌های ساختاری شده است. رشد نرخ ارز در نه‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ و پایداری کسری تراز تجاری غیرنفتی، نشان‌دهنده این واقعیت است که نوسان‌های کنونی، محصول سقوط قدرت خرید صادراتی (رابطه مبادله درآمدی) است. در حالی که ۱۶۹ کشور جهان از نظام تک‌نرخ پیروی می‌کنند ایران همچنان در کنار ۱۰ کشور دارای نرخ‌های متعدد ارز قرار دارد که این موضوع منجر به ایجاد فساد و اختلال در زنجیره تأمین شده است.

تخصیص ۹ میلیارد و ۲۳۹ دلار ارز ترجیحی در نه‌ماهه سال ۱۴۰۴، که ۷۷ درصد آن به حوزه کشاورزی تعلق یافته، نتوانسته است مانع از گرانی کالاهای اساسی برای مصرف‌کننده نهایی شود. از سوی دیگر، تمرکز بانک مرکزی بر نظارت‌های پلیسی و سامانه‌ای (مانند نیما و جامع تجارت) منجر به ایجاد ۳۰ میلیارد دلار صف تخصیص و عدم بازگشت ۲۰ میلیارد دلار ارز صادراتی در سال گذشته شده است. بر این اساس می‌توان گفت سیاست تثبیت نرخ اسمی با شکست مواجه شده است.

در صورت تداوم ناترازی‌های بودجه‌ای و پولی، احتمالاً نرخ تعادلی ارز در سال ۱۴۰۵ افزایشی خواهد بود. نکته مهم در این خصوص افزایش سرعت تعدیل است به طوری که اکنون چرخه‌های جهش و تطبیق قیمت‌ها به جای چند سال، در کمتر از دو یا سه فصل رخ می‌دهند. این وضعیت، پیش‌بینی‌پذیری را از فعالیت‌های تولیدی سلب کرده است و حاشیه سود صنایع ساخت‌محور را که اشتغال‌زا هستند، تهدید می‌کند.

برای عبور از وضعیت کنونی، پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

- اجرای برنامه‌ای برای یکسان‌سازی نرخ‌ها و حذف رانت‌های وارداتی
- جایگزینی برخوردهای قضایی با سازوکار عرضه و تقاضا برای مدیریت تعهدات ارزی از طریق «اوراق مهلت» و رسمیت بخشیدن به بازار کوتاژ برای صادرکنندگان واقعی
- تأسیس «صندوق‌های تسویه چندجانبه» برای مدیریت تهاتر و کاهش نیاز به دلار فیزیکی
- ایجاد سازوکار تشویقی و تسهیل جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور
- لغو پیمان‌سپاری ارزی برای صنایع کوچک و متوسط و تمرکز نظارت‌ها بر شرکت‌های بزرگ خصولتی

Executive Summary

After experiencing major structural shocks in 2012 and 2018, Iran's foreign exchange market entered a new phase of structural adjustment in December 2025. The rise in the exchange rate during the first nine months of 2025, together with the persistent non-oil trade deficit, indicates that current exchange rate fluctuations are largely driven by a decline in the real purchasing power of exports, as reflected in the income-based terms of trade.

While the vast majority of countries worldwide operate under a unified exchange rate regime, Iran remains among a small group of countries with multiple exchange rates. This system has created significant distortions, fostering rent-seeking behavior, corruption, and disruptions in supply chains.

During the first nine months of 2025, approximately USD 9.24 billion in preferential foreign exchange was allocated, 77 percent of which was directed to the agricultural sector. Despite this allocation, prices of essential goods for final consumers continued to rise, demonstrating the limited effectiveness of subsidized exchange rates in controlling inflation. At the same time, the Central Bank's heavy reliance on administrative and enforcement-based controls, including digital monitoring platforms, has resulted in a USD 30 billion backlog in foreign exchange allocation and an estimated USD 20 billion in unreturned export proceeds over the past year. These outcomes suggest that the policy of nominal exchange rate stabilization has failed.

If fiscal and monetary imbalances persist, the equilibrium exchange rate is expected to increase further in 2026. A critical development is the acceleration of adjustment cycles: whereas exchange rate shocks and price adjustments previously unfolded over several years, they now occur within two to three quarters. This rapid adjustment has severely undermined economic predictability, posing serious risks to production activities and threatening the profit margins of employment-intensive, construction-related industries.

To address current challenges, the report proposes the following policy directions:

- Implementing a clear roadmap toward exchange rate unification and eliminating import-related rents
- Replacing judicial and punitive approaches with market-based mechanisms for managing foreign exchange obligations, including the introduction of FX maturity instruments and formal recognition of the export clearance market for genuine exporters
- Establishing multilateral clearing funds to facilitate barter arrangements and reduce reliance on physical U.S. dollars
- Creating incentive mechanisms to attract investment from Iranians abroad
- Abolishing mandatory foreign exchange surrender requirements for small and medium-sized enterprises, while concentrating regulatory oversight on large quasi-state corporations



فهرست مطالب

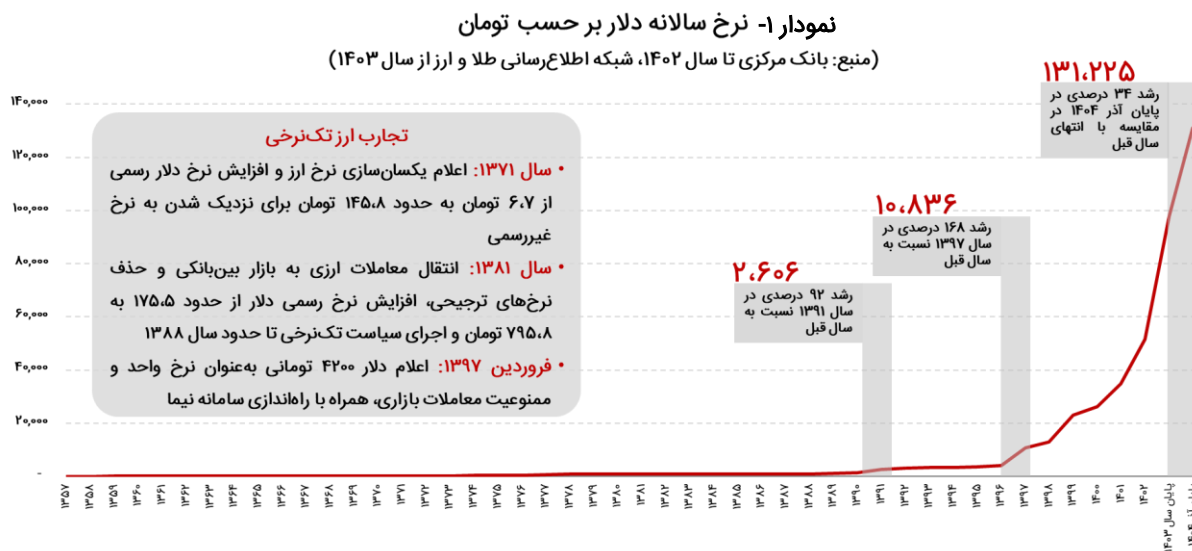
- ۱-مقدمه ۱
- ۲- تحولات تاریخی بازار ارز و وضعیت موجود ۱
- ۳- چشم‌انداز بازار ارز ۵
- ۴- پیشنهادهایی به بانک مرکزی ۷
- ۵- نقش بخش خصوصی در بازار ارز ۹
- ۶- مطالبات ارزی اتاق بازرگانی به عنوان نماینده بخش خصوصی ۱۰
- ۷- راهکارهای پیشنهادی برای تقویت پول ملی ۱۱
- ۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۱۱

۱- مقدمه

نرخ ارز در ساختار اقتصادی ایران فراتر از یک متغیر به عنوان حلقه واسط میان اقتصاد داخلی و بازارهای بین‌المللی و نیز لنگرگاه انتظارات تورمی عمل می‌کند. اتخاذ سیاست‌های ناصحیح در تعیین این نرخ و انحراف فزاینده آن از واقعیت‌های اقتصادی طی دهه‌های اخیر، منجر به آسیب‌های بنیادین به بدنه تولید داخلی و تضعیف جایگاه رقابتی کشور در اقتصاد جهانی شده است. نوسان‌های اخیر و به‌ویژه جهش نرخ دلار از پاییز سال جاری، در خصوص اوج‌گیری انتظارات تورمی هشدار و ضرورت بازنگری در مدل‌های مدیریت ارزی کشور را نشان می‌دهد.

۲- تحولات تاریخی بازار ارز و وضعیت موجود

بررسی روند بلندمدت نرخ ارز در نمودار (۱) نشان‌دهنده وقوع چندین شوک ساختاری است که هر کدام ریشه در تحولات سیاسی و اقتصادی خاصی داشته‌اند. تحلیل این نوسان‌ها نشان می‌دهد اقتصاد کشور طی سالیان متمادی با چالش مزمن رکود تورمی و انتظارات بدبینانه نسبت به آینده روبه‌رو بوده که به عنوان محرکی برای افزایش نرخ ارز عمل کرده است. این وضعیت برآیند ناترازی‌های گسترده داخلی در بخش‌های بودجه، نظام بانکی و انرژی با فشارهای خارجی است منجر به ناپایداری منابع درآمدی دولت شده است.



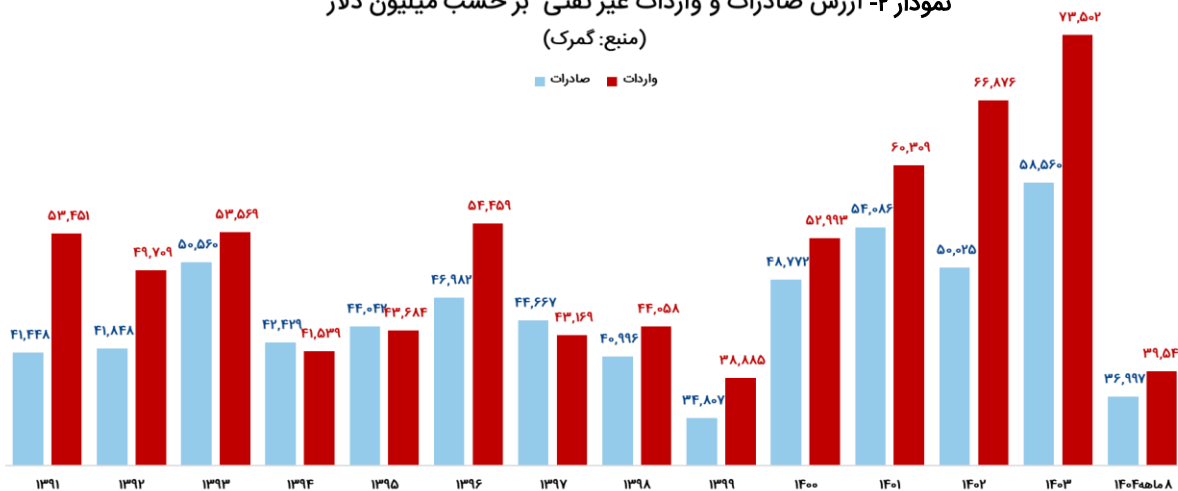
• دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰: سیاست‌های یکسان‌سازی نرخ ارز در سال‌های ۱۳۷۱ و ۱۳۸۱ که با موفقیت‌های مقطعی همراه بود به دلیل ناترازی‌های ساختاری تداوم پیدا نکرد. اعمال این سیاست در دهه ۱۳۷۰ موفقیت‌آمیز نبود اما در سال ۱۳۸۱ به مدت چندین سال با موفقیت ادامه پیدا کرد که با توجه به تغییر دولت وقت و عدم پایداری به ارز تک‌نرخ، در عمل موجب توقف سیاست ارز تک‌نرخ شد.

- شوک سال ۱۳۹۱: نرخ دلار با رشد ۹۲ درصدی نسبت به سال قبل به ۲,۶۰۶ تومان رسید. محرک اصلی این جهش، تحریم‌های بانک مرکزی و کاهش شدید صادرات نفت بود که منجر به رشد ۹۰ درصدی نرخ در اسفند آن سال شد.
 - شوک سال ۱۳۹۷: در پی خروج آمریکا از برجام، نرخ ارز با رشد ۱۶۸ درصدی به ۱۰,۸۳۶ تومان جهش کرد. در مهرماه همان سال، نرخ نسبت به ابتدای سال ۱۷۷ درصد رشد را تجربه کرد.
 - بحران ۱۴۰۴: بر اساس آخرین آمارها، نرخ دلار در پایان آذرماه با رشد ۳۸ درصدی نسبت به ابتدای سال، به رقم ۱۳۱,۲۲۵ تومان رسیده است.
- تحلیل داده‌های آماری نشان می‌دهد که دو عامل کلیدی فشار بر منابع ارزی را تشدید کرده‌اند:
- پایداری کسری تراز تجاری غیرنفتی: فاصله میان ارزش صادرات و واردات غیرنفتی همواره به عنوان یک فشار مستمر بر بازار ارز عمل کرده است.

نمودار ۲- ارزش صادرات و واردات غیر نفتی بر حسب میلیون دلار

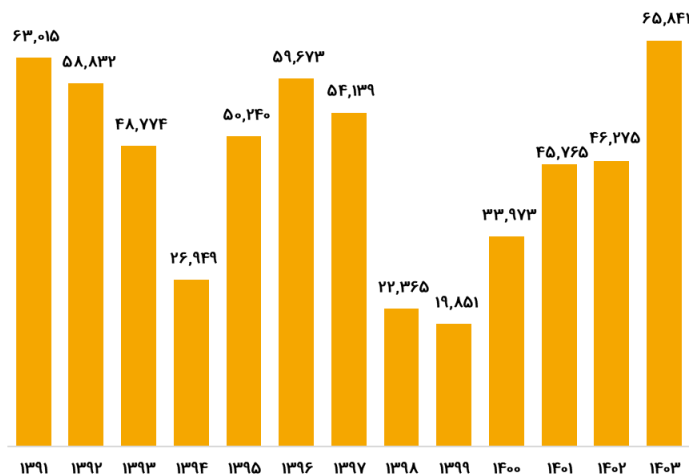
(منبع: گمرک)

■ صادرات ■ واردات



- نوسان در صادرات نفت: نوسان درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت که در نمودار (۳) نشان داده شده است، به دلیل تحریم‌ها و نوسان‌های قیمت جهانی رخ داده و همواره باعث بی‌ثبات شدن تجارت است. در کنار عوامل ساختاری، فعال شدن اسنپ‌بک، چشم‌انداز وصول درآمدهای نفتی را با دشواری‌هایی مواجه کرده است. این محدودیت‌ها بر حجم صادرات و بر کیفیت دسترسی به منابع حاصل از آن تأثیر خواهد گذاشت و توان سیاست‌گذار را نیز در مدیریت بازار متأثر خواهد کرد.

نمودار ۳- ارزش صادرات نفتی بر حسب میلیون دلار (منبع: بانک مرکزی)



ایران در حال حاضر در زمره ۱۰ کشوری قرار دارد که با بحران تعدد نرخ ارز (بیش از دو نرخ) دست به گریبان هستند. این فهرست شامل کشورهایمانند افغانستان، آرژانتین، زیمبابوه و سودان جنوبی است که نشان‌دهنده وضعیت ناهنجار نظام ارزی کشور در مقایسه با ۱۶۹ کشور تک‌نرخ در جهان است. ساختار فعلی بازار ارز ایران بر چهار نرخ اصلی استوار است:

۱. نرخ ترجیحی ۲۸,۵۰۰ تومانی

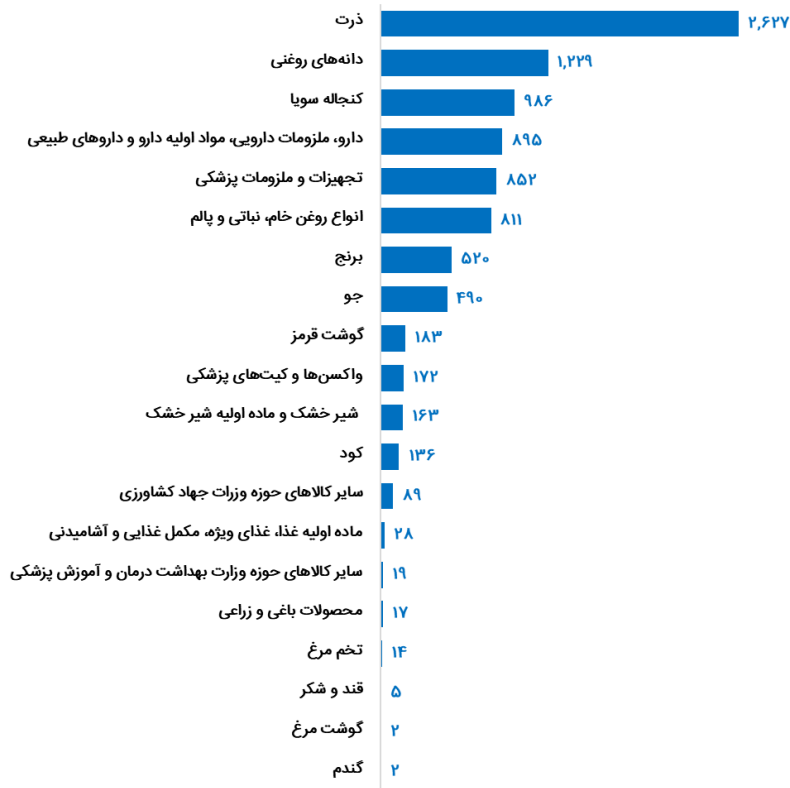
۲. نرخ تالار اول مرکز مبادله

۳. نرخ تالار دوم مرکز مبادله:

۴. نرخ بازار آزاد

بر اساس گزارش بانک مرکزی در نه‌ماهه سال ۱۴۰۴، حدود ۹ میلیارد و ۲۳۹ میلیون دلار به واردات کالاهای اساسی و دارو با نرخ ترجیحی تخصیص یافته است که ۷۷ درصد آن به حوزه وزارت جهاد کشاورزی و ۲۳ درصد به وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی تخصیص یافته است. جزئیات این تخصیص به تفکیک گروه‌های کالایی در نمودار (۴) آمده است.

نمودار ۴- فهرست تأمین ارز با نرخ ترجیحی به تفکیک گروه کالایی از تاریخ
۱۴۰۴/۰۱/۰۱ تا تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۳۰ بر حسب میلیون دلار
(منبع: بانک مرکزی)



تعدد نرخ‌ها منجر به بروز چهار چالش جدی شده است:

- برای صادرکننده: کاهش سودآوری، دشواری در رفع تعهد ارزی و تخریب برند تجاری ایران
- برای تولیدکننده: رسوب کالا در گمرک، کاهش سرمایه در گردش بنگاه‌ها و تضعیف توان رقابتی
- برای مصرف‌کننده: گرانی کالاهای اساسی با وجود تخصیص ارز ترجیحی و کاهش قدرت خرید
- برای ساختار اقتصادی کشور: ترویج رانت و فساد، ایجاد ابهام اداری و اختلال در حسابداری شرکت‌ها

دولت در لایحه بودجه ۱۴۰۵ اصلاح نرخ ارز ترجیحی را با پیش‌بینی ۵۷۲ هزار میلیارد تومان منابع برای کالابرگ الکترونیک در نظر گرفته است. همچنین نرخ ارز مبنای محاسبه حقوق ورودی گمرکی، ۱۰۳ هزار تومان به ازای هر یورو به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شده که نشان‌دهنده تمایل سیاست‌گذار به تعدیل نرخ‌ها است.



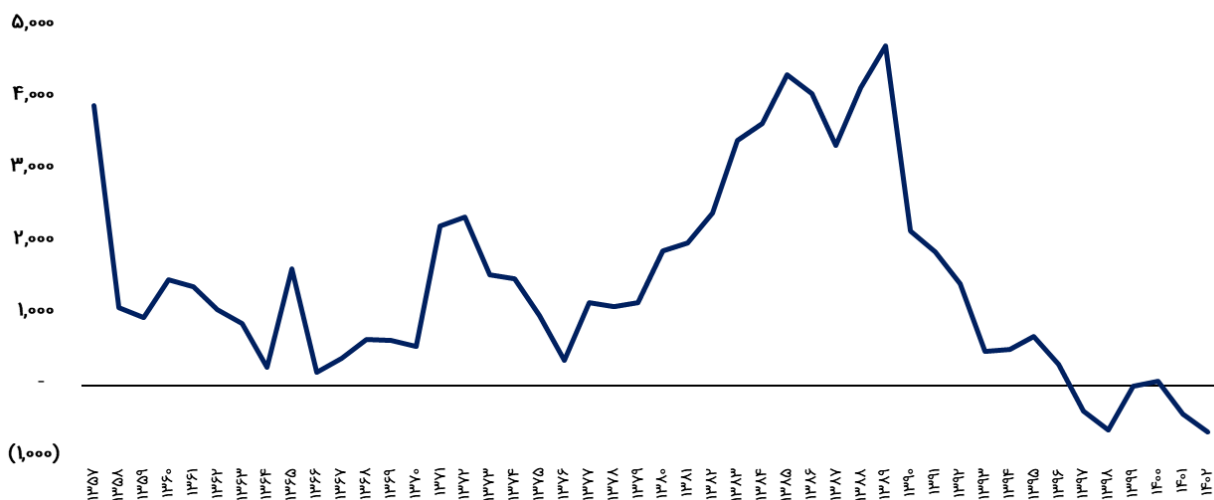
۳- چشم‌انداز بازار ارز

نرخ ارز به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان، تحت تأثیر مستقیم قدرت خرید صادرات و رابطه مبادله کشور قرار دارد. زمانی که درآمدهای صادراتی افزایش می‌یابد و رابطه مبادله بهبود پیدا می‌کند، عرضه ارز در بازار افزایش یافته و فشار بر نرخ ارز کاهش می‌یابد. در مقابل با کاهش قدرت خرید صادرات و افت رابطه مبادله، عرضه ارز نیز کاهش یافته و افزایش فشار تقاضا در بازار ارز به افزایش نرخ حقیقی ارز منجر می‌شود.

تحلیل رابطه مبادله و قدرت خرید صادرات می‌تواند به ترسیم چشم‌انداز بازار ارز کشور کمک کند. شاخص تعدیل رابطه مبادله (Terms of trade adjustment) که توسط بانک جهانی منتشر می‌شود، اثر تغییرات قیمت‌های نسبی صادرات و واردات را بر قدرت خرید واقعی صادرات اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص به صورت تفاوت بین ظرفیت واردات کشور و صادرات کالاها و خدمات به قیمت‌های ثابت تعریف می‌شود که در آن، ظرفیت واردات از تعدیل ارزش اسمی صادرات بر شاخص قیمت واردات به دست می‌آید. شاخص تعدیل رابطه مبادله بیانگر تغییرات قدرت خرید واقعی کشور در تجارت بین‌المللی و توان آن در تأمین واردات از محل درآمدهای صادراتی است.

در نمودار (۵) روند رابطه مبادله از سال ۱۳۵۷/۱۹۷۹ تا ۱۴۰۲/۲۰۲۴ به قیمت‌های ثابت سال ۲۰۱۵ بررسی شده است. منظور از قیمت ثابت این است که برای حذف اثر تورم و تغییرات قیمت در طول زمان، داده‌ها تعدیل شده‌اند. مقادیر مثبت این متغیر، نشان‌دهنده افزایش ظرفیت واردات به دلیل بهبود قیمت‌های نسبی صادرات است. همچنین مقادیر منفی رابطه مبادله به معنای کاهش قدرت خرید و ناتوانی کشور در تأمین واردات مورد نیاز با درآمد صادراتی موجود است.

نمودار ۵- رابطه مبادله تعدیل شده (به قیمت‌های ثابت ۲۰۱۵) بر حسب هزار میلیارد تومان
منبع: بانک جهانی



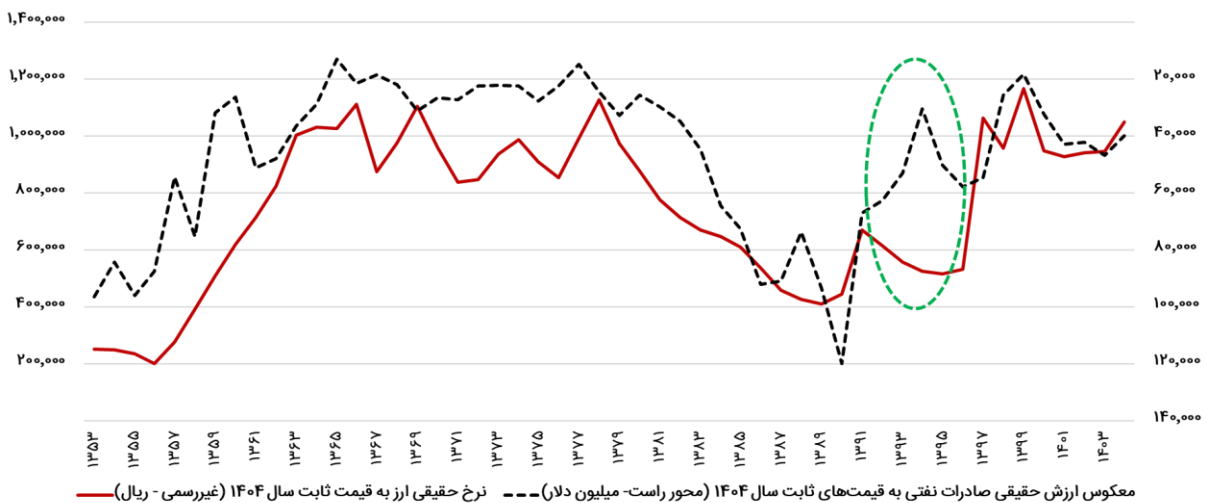
بررسی رابطه مبادله در دوره فوق نشان‌دهنده ارتباط آن با قیمت و صادرات نفت است به طوری که دوره‌هایی که قیمت جهانی نفت یا صادرات نفتی ایران پایین بوده مانند سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۷ سطح شاخص عموماً پایین و نوسانی بوده است.

همزمان با رشد قیمت نفت در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ رابطه مبادله نیز بهبود یافته است. در سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ نیز با رشد قیمت جهانی نفت، میانگین رابطه مبادله به ۳.۷۶ هزار میلیارد تومان رسید و در سال ۱۳۹۰ در اوج تاریخی خود یعنی ۴.۷۳ هزار میلیارد تومان قرار گرفت.

این رابطه مستقیم از طرف دیگر نیز قابل مشاهده است. در دوره تحریم نفتی طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ شاخص به میانگین ۱.۰۶ هزار میلیارد تومان افت کرد که نشان‌دهنده کاهش ۷۲ درصدی نسبت به دوره اوج است. همچنین رابطه مبادله از سال ۱۳۹۸ با تشدید محدودیت‌های تحریم از یک سو و تغییرات قیمت نفت از سوی دیگر، مقادیر منفی را تجربه کرد.

علاوه بر این رابطه مبادله درآمدی با نرخ حقیقی ارزش معکوس دارد و این به معنای تثبیت نرخ حقیقی ارزش در سطوح بالا به دلیل کاهش ارزش حقیقی صادرات نفتی است.

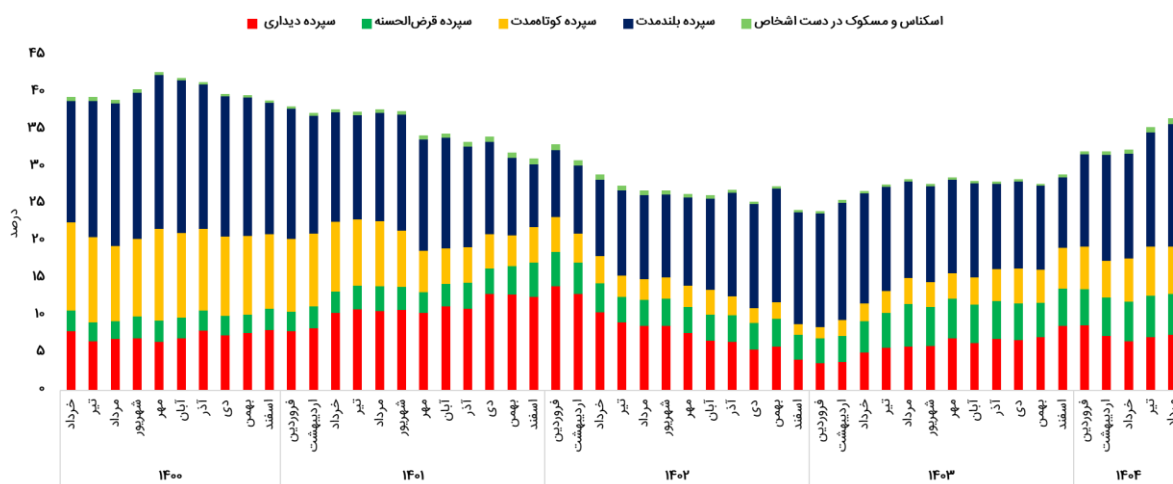
نمودار ۶- نرخ حقیقی ارزش به قیمت‌های ثابت سال ۱۴۰۴ و معکوس ارزش حقیقی صادرات نفتی



منبع: دارایی، ۱۴۰۴

در بلندمدت، نرخ ارز تعادلی همواره متناسب با تفاضل تورم داخلی و خارجی تعدیل می‌شود. با توجه به فعال بودن موتورهای تورمی شامل ناترازی‌های بودجه‌ای و بانکی و انتظارات تورمی بالا، نمی‌توان انتظار توقف روند رشد نرخ ارز را داشت. علاوه بر این بر اساس آمارهای بانک مرکزی سهم بخش سیال نقدینگی افزایش یافته که نشان‌دهنده هجوم منابع به سمت بازارهای دارایی از جمله ارز است.

نمودار ۷- روند ماهانه رشد نقدینگی به تفکیک سهم از رشد اجزای تشکیل دهنده



یک هشدار جدی اقتصادی در این خصوص افزایش سرعت تعدیل است. در حالی که در دهه‌های گذشته چرخه‌های جهش و تثبیت ارزی چندین سال به طول می‌انجامید، اکنون به دلیل تورم مزمن بالا، بلندمدت در بازه زمانی بسیار کوتاهی در حد دو تا سه فصل رخ می‌دهد و قیمت‌ها به سرعت خود را با تکانه‌های ارزی تطبیق می‌دهند.

بر این اساس شرایط کنونی را نمی‌توان یک نوسان گذرا دانست و در واقع این شرایط یک تعدیل ساختاری به سمت نرخ‌های بالاتر است که ریشه در کاهش قدرت خرید صادراتی کشور و رشد پرشتاب نقدینگی دارد. تداوم این وضعیت تا زمانی که موتورهای تورم مهار نشوند و گشایشی در درآمدهای نفتی حاصل نشود اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۴- پیشنهادهایی برای بانک مرکزی

بانک مرکزی باید با پذیرش واقعیت‌های بازار اجازه دهد کشف قیمت در بازارهای توافقی و رسمی صورت گیرد تا انگیزه خروج سرمایه و کم‌اظهاری صادراتی از بین برود. همچنین برای عبور از بحران کنونی باید مدیریت ارزی خود را از تمرکز بر کنترل‌های پلیسی به سمت انگیزه‌های اقتصادی تغییر دهد. رؤس پیشنهادها در محورهای اصلی زیر ارائه می‌شود:

۴-۱- تغییر راهبرد از تثبیت نرخ اسمی به تثبیت نرخ حقیقی ارز: سیاست تثبیت نرخ اسمی یا همان میخکوب کردن قیمت در یک عدد خاص به دلیل تداوم ناترازی‌های بودجه‌ای و پولی همواره شکست خورده است پیشنهاد صریح، بازگشت به تکالیف قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه و قانون بانک مرکزی مبنی بر مدیریت نرخ ارز بر اساس تفاضل تورم داخلی و خارجی است. بانک مرکزی باید بپذیرد که تثبیت نرخ

حقیقی ارزش یعنی تعدیل نرخ متناسب با تفاضل تورم داخلی و خارجی، تنها راه بازگرداندن پیش‌بینی‌پذیری به اقتصاد و جلوگیری از شوک‌های جهشی آینده است.

۲-۴- تغییر اولویت از نظارت‌پذیری به حداکثرسازی جریان ورودی: از سال ۱۳۹۷ استراتژی حاکم بر بانک مرکزی (سامانه‌های نیما، جامع تجارت و غیره) بر نظارت دقیق بر ریال به ریال ارزش متمرکز بود که نتیجه آن ایجاد صف ۳۰ میلیارد دلاری تخصیص و عدم بازگشت ۲۰ میلیارد دلار ارزش در سال گذشته بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود اولویت از کنترل مبادی به حداکثرسازی جریان ورودی ارزش تغییر کند. لازم به ذکر است این پیشنهاد به معنای کنار گذاشتن نظارت نیست بلکه توصیه می‌کند مقررات مربوط به صادرکنندگان، برای تشویق بازگرداندن ارزش از طریق ابزارهای بازارمحور تسهیل شود.

۳-۴- اصلاح ساختار بازار و حذف تدریجی نظام چندنرخ: بانک مرکزی باید با یک برنامه زمانی مشخص به سمت یکسان‌سازی نرخ ارزش حرکت کند. گام‌های عملیاتی این پیشنهاد به شرح زیر است:

• اصلاح تدریجی نرخ ارزش ترجیحی و تالار اول و رساندن آنها به نرخ بازار توافقی برای حذف رانت‌های عظیم

• رسمیت بخشیدن به بازار کوتاه‌مدت به طوری که بانک مرکزی جای مقابله با خرید و فروش کوتاه‌مدت، آن را در بستری رسمی مدیریت کند. منطق اقتصادی حکم می‌کند که رانت ناشی از مجوز واردات، متعلق به صادرکننده باشد تا انگیزه صادرات افزایش یابد، نه اینکه این رانت به واردکنندگان رانت‌جو تعلق گیرد.

• عدم مداخله قیمتی در تالار دوم به طوری که بانک مرکزی تضمین کند در نرخ ارزش تجاری تالار دوم هیچ‌گونه دخالت قیمتی یا سقف‌گذاری انجام نمی‌دهد و نرخ صرفاً بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود.

۴-۴- پیاده‌سازی ابزارهای مالی نوین یا بازار مهلت ارزی: یکی از پیشنهادها برای مدیریت تعهدات ارزی، ایجاد بازار مهلت ارزی است. در این بازار، صادرکنندگانی که ارزش خود را زودتر از موعد بازمی‌گردانند اوراق مهلت دریافت می‌کنند و می‌توانند این اوراق را به صادرکنندگانی که به زمان بیشتری نیاز دارند بفروشند. این سازوکار باعث می‌شود هزینه تأخیر توسط بازار تعیین شود و پرونده‌های قضایی صادرکنندگان به شدت کاهش پیدا کند. همچنین به طور همزمان بانک مرکزی بر کل جریان ارزش اشراف خواهد داشت.

۵-۴- تقویت نظام پرداخت غیررسمی و حمایت از صرافی‌ها: در شرایط تحریمی که نظام بانکی بین‌المللی مسدود است بانک مرکزی نباید صرافی‌ها را تضعیف کند و مناسب است از وضع مقررات انقباضی



در خصوص آنها پرهیز کند. پیشنهاد می‌شود به جای وضع مقررات سخت‌گیرانه که منجر به فروپاشی نظام پرداخت می‌شود صرافی‌های معتبر به عنوان بازوهای اجرایی انتقال ارزهای خرد و متوسط، تقویت شوند.

۵- نقش بخش خصوصی در بازار ارز

کمک اصلی بخش خصوصی مدیریت جریان‌های ارزی در سطح خرد و منطقه‌ای است. انتظار می‌رود سیاست‌گذار با پذیرش نقش بخش خصوصی در بازار مهلت و تجارت چندجانبه اجازه دهد این بخش از طریق سازوکار بازار، تعادل را به نرخ ارز بازگرداند و خود را از دام تخصیص‌های دستوری و رانت‌زا رها کند.

به طور کلی بخش خصوصی نباید صرفاً به عنوان مصرف‌کننده یا تأمین‌کننده ارز دیده شود. بخش خصوصی عامل پایداری اقتصاد در شرایط تحریم است. برآیند نظرات کارشناسی جلسه درباره مشارکت بخش خصوصی در چهار محور زیر می‌تواند فشار روی منابع ارزی بانک مرکزی را کم و جریان ورود ارز را تسهیل کند:

۵-۱- جذب سرمایه ایرانیان خارج از کشور با الهام از الگوی چینی: تجربه کشورهای موفق مانند چین نشان می‌دهد در شرایط عدم اعتماد بین‌المللی، ایرانیان خارج از کشور بهترین کاتالیزور برای پیوند مجدد اقتصاد ملی به زنجیره‌های جهانی هستند. اتاق بازرگانی می‌تواند به عنوان پل ارتباطی در تسهیل جذب دانش، تجربه و شبکه‌های تجاری ایرانیان مقیم نقش ایفا کند. این افراد ظرفیت ورود ده‌ها میلیارد دلار سرمایه را دارند و برخلاف نهادهای بین‌المللی، احتمال بیشتری دارد که ریسک بازار ایران را بپذیرند.

۵-۲- توسعه نظام پرداخت‌های چندجانبه و تهاتر با استفاده از صندوق تسویه: در حالی که نظام بانکی رسمی مسدود است بخش خصوصی می‌تواند با استفاده از تجارب سنتی و نوین خود، شبکه‌های پرداخت غیررسمی را مدیریت کند. بخش خصوصی با استفاده از ظرفیت کشورهایمانند عمان، روسیه و هند، صندوق‌های تسویه ارزی ایجاد کند. برای مثال صادرات میوه به روسیه می‌تواند با واردات دارو از هند و از طریق لجستیک عمان تسویه شود. این فرآیند بدون اینکه نیاز به گردش دلار یا مداخله مستقیم بانک مرکزی باشد، قابل انجام است. این مدل مواجهه نهادی به جای سیاست پولی صرف است و به بخش خصوصی اجازه می‌دهد بازیگر اصلی تجارت بین‌الملل باقی بماند.

۵-۳- اصلاح الگوی تقاضا و کاهش فشار بر منابع ارزی: بخش خصوصی واقعی که عمدتاً صاحب کسب‌وکارهای کوچک و متوسط و صنایع ساخت‌محور است در صورت حذف سوبسیدهای ارزی می‌تواند تقاضاهای کاذب را مهار کند. بسیاری از تقاضاهای کنونی برای ماشین‌آلات و مواد اولیه برای تولید نیست و با هدف کسب رانت ناشی از تفاوت نرخ ارز شکل می‌گیرد. اگر بخش خصوصی در فرآیند تک‌نرخ شدن ارز همراهی کند، تقاضای ارز برای واردات به میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت چرا که انگیزه‌های

بیش‌اظهاری در واردات از بین خواهد رفت. بخشی از تقاضاهای فعلی در حوزه واردات ماشین‌آلات و مواد اولیه، تحت تأثیر تخصیص‌های یارانه‌ای به صورت کاذب شکل گرفته و فاقد توجیه اقتصادی است. حذف این مشوق‌های رانت‌زا منجر به واقعی‌سازی تقاضا می‌شود و انگیزه صنایع را برای افزایش عمق ساخت داخل و بهره‌گیری از ظرفیت‌های تولید داخلی تقویت می‌کند.

۴-۵- بازسازی جایگاه صادرکنندگان به عنوان ارزآور: بخش خصوصی می‌تواند با ارائه داده‌های دقیق از بازارهای هدف، به بانک مرکزی در امنیت‌زدایی از حوزه ارز کمک کند. به جای برخورد پلیسی با صادرکنندگان در روستاها یا استفاده از کارت‌های بازرگانی اجاره‌ای که محصول نظام چندنرخه است، اتاق بازرگانی می‌تواند با رتبه‌بندی اعضا و تضمین بازگشت ارز توسط شرکت‌های معتبر، ثبات را به عرضه ارز بازگرداند.

۶- مطالبات ارزی اتاق بازرگانی به عنوان نماینده بخش خصوصی

مطالبات اتاق بازرگانی فراتر از قیمت ارز است. فعالان اقتصادی خواهان امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات مقررات و رسمیت پیدا کردن نقش بخش خصوصی در زنجیره تأمین ارز هستند. تا زمانی که بانک مرکزی صدای بخش خصوصی را نشنود و به جای سیاست‌های نهادی، صرفاً به کنترل‌های پولی متوسل شود، خروج از بحران امکان‌پذیر نیست.

۱-۶- لغو یا اصلاح پیمان‌سپاری ارزی برای صنایع کوچک و ساخت‌محور: یکی از جدی‌ترین مطالبات، خروج صنایع ساخت‌محور، صنایع غذایی و کشاورزی از شمول پیمان‌سپاری ارزی اجباری است. این صنایع که سهم عمده‌ای در اشتغال بخش خصوصی را بر عهده دارند، نهاده‌های تولید خود را با دلار آزاد تأمین می‌کنند. اجبار آنها به فروش ارز حاصل از صادرات با نرخ‌های دستوری تالار دوم که فاصله معناداری با نرخ واقعی دارد به معنای مصادره سود آنها و نابودی صادرات غیرنفتی است. بنابراین پیشنهاد می‌شود ارز صادرکنندگان خرد و متوسط به طور کامل آزاد شود و تمرکز نظارت‌ها صرفاً بر شرکت‌های بزرگ خصوصیتی مانند پتروشیمی و فولاد باشد که از سوبسیدهای انرژی و خوراک بهره‌مند هستند.

۲-۶- تغییر رویکرد از امنیتی‌سازی به اعتمادسازی: بخش خصوصی خواستار پایان یافتن نگاه پلیسی و امنیتی به ارز و صادرکنندگان است. اتاق بازرگانی مطالبه دارد که صادرکنندگان به دور از نگاه امنیتی، به عنوان ارزآور شناخته شوند. دولت برای بازگشت ده‌ها میلیارد دلار سرمایه ایرانیان خارج از کشور و فعال شدن ظرفیت‌های داخلی، باید تلاش کند تا دیوار بی‌اعتمادی بین بخش خصوصی و حاکمیت را از میان بردارد. این اقدام کاتالیزوری برای جذب سرمایه‌هایی است که ریسک بازار ایران را می‌پذیرند.



۳-۶- اصلاح نظام استرداد مالیات بر ارزش افزوده برای صادرکنندگان: مطالبه فوری فعالان اقتصادی، حذف موانع اجرایی در بازگشت مالیات بر ارزش افزوده است. در حال حاضر صادرکننده ۱۰ درصد مالیات بر ارزش افزوده در زمان خرید ریالی کالا پرداخت می‌کند اما سازمان امور مالیاتی به دلایل مختلف از جمله عدم ایفای تعهد ارزی یا سلیقه‌های اجرایی از استرداد این مبالغ خودداری می‌کند که منجر به قفل شدن سرمایه در گردش بنگاه‌ها شده است.

۴-۶- توقف مداخلات دستوری در تالار دوم و شفاف‌سازی فرآیندها: بانک مرکزی باید تضمین دهد که در تالار دوم نرخ‌ها بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و از وضع قوانین زاید و لحظه‌ای که منجر به رسوب کالا در گمرک و کاهش سرعت گردش ارز می‌شود، اجتناب کند.

۷- راهکارهای پیشنهادی برای تقویت پول ملی

تقویت پول ملی یک اقدام دستوری نیست و محصول نهایی انضباط مالی، بازسازی اعتماد و پیوند مجدد اقتصاد ملی با زنجیره‌های ارزش جهانی است. تقویت پول ملی در یک اقتصاد تورمی و تحت تحریم، مستلزم حرکت به سمت اصلاحات ساختاری و نهادی است. بنابراین بازنگری در روابط خارجی و اتخاذ دیپلماسی فعال برای رفع بن‌بست‌های تجاری، کلیدی‌ترین راهکار برای گشایش در درآمدهای نفتی و خروج اقتصاد از وضعیت رکودی محسوب می‌شود.

ریشه اصلی تضعیف ریال، رشد نقدینگی ناشی از ناترازی‌های بودجه‌ای و بانکی است. بنابراین باید انضباط مالی و توقف بهره‌برداری ابزار از نرخ ارز در دستور کار قرار بگیرد. برای این منظور لازم است دولت از استفاده ابزاری از مابه‌تفاوت نرخ ارز برای جبران کسری بودجه و پولی کردن کسری بودجه پرهیز کند.

مهار بخش سیال نقدینگی دیگر راهکار تقویت پول ملی است. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد سهم بخش سیال نقدینگی شامل سپرده‌های دیداری و اسکناس به شدت افزایش یافته است که هشدار برای افزایش انتظارات تورمی است. تقویت پول ملی بدون مهار موتورهای تورم از قبیل ناترازی انرژی، بودجه و بانک غیر ممکن است.

۸- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

اقتصاد ایران با یک تعدیل ساختاری ناگزیر به سمت نرخ‌های بالاتر مواجه است که ریشه در سقوط قدرت خرید صادراتی (رابطه مبادله درآمدی) و رشد نقدینگی دارد. برآیند دیدگاه‌های نخبگان اقتصادی و فعالان بخش خصوصی تأیید می‌کند راهکار خروج از بحران، اصلاح در نظام ارزی است.

- نظام فعلی که بر پایه تعدد نرخ‌ها بنا شده است ایران را در میان ۱۰ کشور دارای بیش از دو نرخ ارز قرار داده است. این ساختار در مهار تورم ناتوان بوده و با ترویج رانت، فساد و ایجاد صف‌های تخصیص ۳۰ میلیارد دلاری، منجر به رسوب کالا در گمرک و نابودی نقدینگی بنگاه‌های مولد شده است. تداوم سیاست تثبیت نرخ اسمی با میخکوب کردن قیمت، به دلیل ناترازی‌های پولی و بودجه‌ای، محکوم به شکست است و تنها راه بازگشت پیش‌بینی‌پذیری به اقتصاد، مدیریت نرخ بر اساس تفاضل تورم داخلی و خارجی (نرخ حقیقی) و یکسان‌سازی نرخ ارز است.
- سیاست‌گذار پولی باید بپذیرد که استراتژی نظارت بر ریال به ریال ارز از سال ۱۳۹۷ تاکنون منجر به کم‌اظهاری صادراتی شده است. راهبرد جایگزین که مورد تأیید بخش خصوصی است، اولویت‌بخشی به حداکثرسازی جریان ورودی از طریق ابزارهای بازارمحور است. در این راستا رسمیت بخشیدن به بازار کوتاه و ایجاد بازار مهلت ارزی می‌تواند هزینه تأخیر در بازگشت ارز را در سازوکار عرضه و تقاضا تعیین کند و انگیزه صادرات را به طور محسوسی افزایش دهد.
- بخش خصوصی نباید به عنوان مصرف‌کننده ارز دیده شود. این بخش بازوی اصلی پایداری اقتصاد در شرایط تحریم است. همچنین استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور با الگوبرداری از مدل چین و ایجاد صندوق‌های تسویه چندجانبه در کشورهای نظیر عمان، روسیه و هند راهکارهای عملیاتی هستند که می‌توانند بدون نیاز به گردش دلار فیزیکی و با همکاری اتاق بازرگانی، فشار را از روی منابع بانک مرکزی بردارند. لازمه این اقدامات تغییر نگاه حاکمیت از امنیتی‌سازی به اعتمادسازی میان دولت و فعالان اقتصادی است.
- تقویت پول ملی ثمره انضباط مالی و توقف بهره‌برداری ابزاری از نرخ ارز برای جبران کسری بودجه است. تا زمانی که موتورهای تورم‌زا شامل ناترازی‌های بانکی و بودجه‌ای مهار نشوند و بخش سیال نقدینگی در پی انتظارات تورمی به سمت بازارهای دارایی هجوم ببرد، ارزش ریال همچنان تحت فشار خواهد بود.